

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونگه ولت
نویسنده: یورگ کروناور
فرستنده: نسترن نصرتی
۰۸ می ۲۰۲۳

گل به خودی واشنگتن

سلسله مقالات درباره جمهوری خلق چین و راه طولانی مبارزه برای عدالت و رفاه.

قسمت ششم: چین و جنگ اقتصادی.

بیجینگ بر توسعه خودمختار متکی است



پیشرفت و ترقی چین جهان را تغییر داده است. جمهوری خلق نه تنها توانسته خود را از فقر رهانی بخشد. بلکه این کشور که از نظر اقتصادی بشدت رشد یافته است، مدتهاست که به یک فاکتور قدرت در جهان تبدیل شده است که سلطه جهانی غرب را به نبرد فرا می خواند. غرب به این موفقیت چین در زمینه رشد، ترقی و رفاه با حمله شدیدتر واکنش نشان می دهد – با جنگ اقتصادی و با تمرکز نظامی که نگرانی از درگیر شدن در جنگ جهانی سوم را در جهان افزایش داده است.

در مجموعه‌ای دوازده قسمتی یورگ کروناور در یونگه ولت به جنبه های اصلی این تحولات برای برجسته کردن پیامدهای ظهور جمهوری خلق برای روابط بین الملل می پردازد.

با یک اشتباه شروع شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در تاریخ ۲ مارچ ۲۰۱۸، درست زمانی که جنگ اقتصادی علیه چین را آغاز کرده بود، پیروزمندانه در توئیتر خود نوشت: «جنگ‌های تجاری خوب هستند و براحتی می‌توان در آن پیروز شد.» اولین قدم او اعمال تعرفه های تنبیهی بر تعداد فزاینده ای از واردات محصولات از جمهوری خلق بود.

هدف: شرکت‌های امریکائی که قبلاً در چین خرید می‌کردند، باید تشویق شوند که در آینده در جاهای دیگر، ترجیحاً در ایالات متحده، دست به خرید بزنند. ترمپ نگران وابستگی اقتصادی به چین بود تا حداقل ملاحظات ممکن را در جنگ قدرت علیه بیجینگ داشته باشد.

حیف که این طرح به نتیجه نرسید. در سال ۲۰۲۲، ارزش واردات ایالات متحده از جمهوری خلق تقریباً مشابه سال ۲۰۱۸ بود.

مطالعات متعدد همچنین نشان داده است که در مورد تعرفه‌های تنبیهی، این چین نبود که تنبیه شد، بلکه ایالات متحده امریکا بود: قیمت‌ها افزایش یافت، مشاغل از بین رفت، شرکت‌های امریکائی جریمه تعرفه‌های تنبیهی را از بودجه تحقیقاتی خود پرداخت کردند و نتیجتاً به ضرر تحقیق و پژوهش تمام شد.

گام بعدی ترمپ اعمال تحریم‌ها بود. اولین و شناخته شده‌ترین نمونه هوای است. ایده پشت آن ساده بود. این واقعیت که تولید اقتصادی چین به رشد خود ادامه داد، به خودی خود تهدیدی برای سلطه ایالات متحده نبود. کشوری که به صراحت بگویم – فقط اسباب بازی‌های پلاستیکی و منسوجات تولید می‌کند، به یک قدرت جهانی تبدیل نخواهد شد.

اما کشوری که وزن اقتصادی پیدا کرده و می‌تواند فناوری‌های پیشرفته تولید کند و شرکت‌هایش با موفقیت در زمینه هوش مصنوعی پیشرفت می‌کنند یا – مانند هوای – پیش‌تاز در بازار جهانی در نصب و استفاده از سنسور ارتباطات سیار 5G شده در واقع، چنین کشوری آنچه لازم است برای ایجاد خطر برای هژمونی جهانی ایالات متحده در اختیار دارد.

بنابراین ترمپ و جانشین او جوزف بایدن تحریم‌های بیشتر و بیشتری را علیه شرکت‌های فناوری وضع کرده‌اند که اخیراً شامل تحویل تراشه‌هایی با کارایی بالا است که برای توسعه هوش مصنوعی مورد نیاز است نیز شده است، و در کنار آن تحریم‌ها در مورد صدور و فروش ماشین‌آلات تولید تراشه به چین نیز وضع گردید. جاکوب سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، در سپتامبر ۲۰۲۲ گفت که «اشنگتن باید از نظر فناوری «بیشترین پیشتازی ممکن» را حفظ کند.

تعداد قابل توجهی از شخصیت‌های سیاسی در ایالات متحده طرفدار «جداسازی» هستند، یعنی جداسازی جامع غرب از چین در همه زمینه‌های مهم فناوری مدرن. از سوی دیگر، جمهوری فدرال المان تاکنون خود را در این مورد از امریکا دور نگه داشته است.

مشکل آنها: برخی از صنایع بسیار پر قدرت آنها از نظر وجودی به تجارت با چین وابسته هستند. به عنوان مثال، شرکت‌های بزرگ خودروسازی: آنها یک سوم خودروهای جدید خود و یا حتی بیشتر از یک سوم آن را در بازار خودروی جمهوری خلق به فروش می‌رسانند. علاوه بر این، از آنجایی که چین اکنون به عنوان بازار پیشرو جهانی برای خودروسازی مدرن الکتریکی به حساب می‌آید، آنها دیگر نمی‌توانند از امکانات، دانش و ظرفیت‌های مهم تحقیق و توسعه در آنجا اجتناب کنند.

اگر آنها تحت تأثیر جریان‌های جدائی طلب از چین مجبور به کاهش شدید یا حتی قطع روابط خود با جمهوری خلق شوند، دیگر قدرت اقتصادی آنها تنها سایه‌ای از صنایع فعلی آنها خواهند بود.

برای مثال در عرصه مهندسی مکانیک و صنایع کیمیائی نیز مشکلات جدی دارند.

این دلیلی است که برلین و اتحادیه اروپا سه گانه «شریک، رقیب، حریف ستراتیژیک» را در رابطه با چین تبلیغ می‌کنند: مهم نیست که رقابت سیاسی به مراحل سختی برسد، هر چقدر هم رقابت اقتصادی ما با طرف چینی شدید باشد، باز هم باید فضائی برای درجه خاصی از همکاری اقتصادی در نظر گرفت و آن را ادامه داد.

این که آیا و اگر چنین است، چگونه می توان این سه گانه متناقض را در درازمدت یکجا جمع کرد، این خود یک سؤال باز است .

اتفاقاً یکی از دلایل مهم این است که چین احتمالاً در بلندمدت دست روی دست نخواهد گذاشت و تنها نظاره‌گر تحریم‌های غرب نخواهد ماند .

بیجینگ مدت‌هاست که بر تقویت صنعت فناوری پیشرفته خود تمرکز کرده است .

با این حال، در ماه اپریل فاش شد که اقدامات تنبیهی علیه شرکت نیمه هادی امریکائی میکرون یا تحریم فناوری های مورد نیاز برای پردازش خاک های کمیاب و سایر فلزات انتقال انرژی در حال بررسی است .

جمهوری خلق در جنگ اقتصادی که غرب علیه آن به راه انداخته است تصمیم به دفاع فعالانه از خود گرفته است .